

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوازدهم - اسفند ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۸

بررسی سبک فکری و جامعه‌شناسی آثار داستانی شهرنوش پاریسی پور

(ص ۷۰-۵۱)

ثمر میری^۲، مصطفی سالاری^۳ (نویسنده مسئول)، بهروز رومیانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: دی ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

چکیده

بازتاب جامعه در آثار ادبی از مسائل اساسی است که هم در جامعه‌شناسی و هم در ادبیات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با مطالعه ادبیات هر دوره میتوان از اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن دوره آگاهی یافت. زیرا ادبیات هر عصر، رنگ جامعه خود را دارد. شهرنوش پاریسی پور از نویسندگانی است که رویدادهای اجتماعی زمان خود را در آثارش منعکس نموده است. لذا رمانهای او را میتوان در قالب نقد جامعه‌شناسی بررسی کرد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، آثاری از جمله «طوبا و معنای شب» «سگ و زمستان بلند» «زنان بدون مردان» و «تجربه‌های آزاد» را با تکیه بر نهادهای مهم اجتماعی چون خانواده، فرهنگ، مذهب و سیاست مورد بررسی قرار داده است. نگارنده پس از بررسی به این نتیجه دست یافت که همه نهادهای موجود در جامعه واقعی، بویژه سیاست در آثار پاریسی پور نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. نویسنده با تصویر جامعه در آثار خود، از رنج بیشمار زنان پرده برمیدارد و تلاش آنها برای رهایی را با رفتارهای مثبت و منفی توصیف مینماید.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیات، خانواده، مذهب، فرهنگ، سیاست، آثار داستانی،

شهرنوش پاریسی پور

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.
(Samar.mir@yahoo.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.
(m.salari@iauzah.ac.ir)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.
(B.romiani@iauzah.ac.ir)

Investigating the intellectual style and sociology of Shahrnoosh Parsipour's fictional works

Samar Miri^۱, Mustafa Salari^۲ (Corresponding Author), Behrouz Romanian^۳

Abstract

The reflection of society in literary works is one of the fundamental issues that is evaluated both in sociology and in literature. By studying the literature of each period, one can become aware of the cultural, political and social situation of that period. Because the literature of every age has the color of its society. Shahrnoosh Parsipour is one of the writers whose social events have reflected her time in her works. Therefore, her novels can be examined in the form of sociological critique. This descriptive-analytical study examines works such as "Tuba and the Meaning of the Night", "Dogs and the Long Winter", "Women without Men" and "Free Experiences" based on important social institutions such as family, culture, religion and politics. After reviewing, the author concluded that all the institutions in real society, especially politics, play a decisive role in Parsipour's works. By depicting society in his work, the author reveals the innumerable sufferings of women and describes their efforts to be free with positive and negative behaviors.

Keywords: Sociology of Literature, Family, Religion, Culture, Politics, Fiction, Shahrnoosh Parsipour

^۱ - PhD student, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran. (Samar.mir@yahoo.com)

^۲ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
(m.salari@iauzah.ac.ir)

^۳ - Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.
(B.romiani@iauzah.ac.ir)

مقدمه

اصالت جامعه‌شناسی ادبیات در برقراری و توصیف روابط جامعه و اثر ادبی است. جامعه‌شناسی علمی است که جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی را بررسی میکند و «جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان دانشی اجتماعی به بررسی ادبیات، این بخش از شعور اجتماعی میپردازد و با روش علمی جوهر اجتماعی آثار ادبی، شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی دربرگیرنده و پرورنده شاعر و نویسنده، جهان بینی و موضع فکری و فرهنگی آنان، مباحث و موضوعات و سفار شهای اجتماعی مورد توجه در آثار ادبی را مورد مطالعه قرار میدهد.» (جامعه‌شناسی ادبیات فارسی، ترابی: ص ۵) آنچه امروز جامعه‌شناسی ادبی شناخته میشود، علمی است که جورج لوکاک، فیلسوف و منتقد مجارستانی در اوایل قرن بیستم آن را بنیان نهاد و پس از او لو سین گلدمن آن را گسترش داد. (نقد جامعه‌شناسی لو سین گلدمن، کهنموئی پور: ص ۷۱)

بنابر نظر جامعه‌شناسان آثار ادبی انعکاس دهنده محیطی هستند که این آثار در آنجا خلق شده‌اند و نویسندگان هر اندازه بیشتر متعهد باشد، این محیط را بهتر و ژرفتر به تصویر میکشد. پس اینگونه نیست که تنها جامعه بر اثر یک نویسنده یا شاعر تاثیر بگذارد بلکه این تاثیرگذاری دو طرفه است. «هر اثر ادبی، اگر از یک سو، به فردی تاثیر میگذارد، از سوی دیگر با گروههای افرادی که تحت تاثیر قرار میدهد ارتباط دارد.» (نقد ادبی، کارلونی: ص ۵)

برخی جامعه‌شناسان از جمله لوسین گلدمن معتقدند که خصلت جمعی آفرینش ادبی، حاصل آن است که ساختارهای جهان آثار با ساختارهای ذهنی برخی از گروههای اجتماعی، همخوانند و یا با آن رابطه درک پذیر دارند. حال آنکه نویسنده در سطح محتواها، یعنی در سطح آفرینش دنیای خیالی تابع این ساختارها، آزادی تام دارد. در واقع رابطه میان گروه آفریننده و اثر ادبی به شکل زیر جلوه میکند: گروه آفریننده، فرآیندی از ساختاریابی را تشکیل میدهد، این فرآیند در آگاهی اعضای گروه، گرایشهای عاطفی و عقلانی و عملی را در جهت یافتن پاسخ منسجم به مسائلی که زاده مناسبات آنان با طبیعت و با انسانهای دیگر است، میپرورد. (نقد تکوینی، گلدمن، لوسین: ص ۱۴)

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به ضرورت روشن شدن اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، بررسی جامعه‌شناسی آثار شهرنوش پاریسی پور میتواند روشنگر وقایع و رویدادهای مهم آن دوره باشد. همچنین میتوان میزان تاثیر اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی را بر ادبیات و آثار ادبی سنجید.

پرسش‌های پژوهش

۱. مهمترین عناصر اجتماعی در آثار شهرنوش پارسی پور کدامند؟
۲. جامعه انعکاس یافته در آثار پارسی پور، یک جامعه واقعی است یا تخیلی؟
۳. مهمترین نهاد مطرح شده در آثار پارسی پور کدام است؟

فرضیه‌های پژوهش

۱. در آثار پارسی پور مهمترین مسائل انعکاس یافته خرافه پرستی، مبارزات رژیم، زندان، اوضاع پس از عزل مصدق و ضعف بنیادهای خانوادگی است. مذهب و فرهنگ نیز در آثار او جلوه بارزی دارند.
۲. جامعه انعکاس یافته در آثار شهرنوش پارسی پور با جامعه واقعی ارتباط تنگاتنگ دارد.
۳. مهمترین نهاد مطرح شده در آثار پارسی پور، سیاست است.

چارچوب نظری پژوهش

آثار پارسی پور انعکاس جامعه‌ای است که زن در آن سرنوشت دردناک و تاسف‌برانگیزی دارد. او با خلق فضاهای خوفناک، وضعیت زنان را در اجتماع آن روز منعکس میکند. آنچه نویسنده به تصویر میکشد، معلول بنیان ویران خانواده و وضع سیاسی مملکت در آن زمان است. شرح مختصری درباره نهاد‌های اجتماعی عبارت است از:

۱- خانواده: کوچکترین نهاد اجتماعی است که در زندگی جمعی انسان شکل گرفته و مهمترین نقش را در توسعه و رشد در امتداد تاریخ از خود نشان داده است؛ هم از این روست که این نهاد اجتماعی، همواره مورد نظر و توجه عالمان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، حاکمان و ... بوده است. در نگاه کینگزلی دیویس (۱۹۰۸-۱۹۸۵) جامعه شناس آمریکایی، خانواده از گروهی اشخاص تشکیل میشود که روابطشان با یکدیگر بر پایه خویشاوندی همخونی استوار است. (اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، بستان: ص ۴۷)

۱-۱- انواع خانواده بر حسب ابعاد

۱-۱-۱- خانواده گسترده: خانواده‌ای است که از یک پدربزرگ و مادر بزرگ و یک یا چند نفر از فرزندان ازدواج کرده و نکرده آنان، عروسها و نوه‌ها و خویشاوندان وابسته به خانواده تشکیل می‌شود. «خانواده گسترده براساس پدر سالاری اداره می‌شود، شامل چند گروه زناشویی است که از طریق ازدواج اعضای خانواده و پیوندهای سببی بوجود می‌آید. (درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، فرید: ص ۱۷۲)

۱-۱-۲- خانواده هسته‌ای: خانواده‌ای است مرکب از یک زن و مرد با تعدادی فرزندان مجرد که براساس ازدواج و روابطی از قبیل زن و شوهری، پدر و مادر - فرزندی، خواهر - برادری و غیره برقرار است.

خانواده هسته‌ای شامل «خانواده زن و شوهری»، «خانواده پدر و مادری» و «خانواده زیستی» است.

۱-۲-۱-۱- خانواده زن و شوهری: در این خانواده تاکید بر روابط زن و شوهر است، نه روابط بین خویشان. در این خانواده استقلال زن و شوهر در قبال والدین، فاصله مکانی آنها و گذران زندگی نه در خانه والدین شوهر یا زن بلکه در خانه‌ای دیگر بیشتر حاصل می‌شود. (دائرة المعارف علوم اجتماعی، ساروخانی: ص ۱۳۷)

۱-۲-۱-۲- خانواده پدر-مادری: در این نوع خانواده زوجهای جوان پس از ازدواج، خانه پدران و مادران را ترک می‌گویند و خود خانواده جدیدی را بنا می‌کنند. (درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، فرید: ص ۱۷۸)

۱-۲-۱-۳- خانواده زیستی: نوعی از خانواده است که از مشروعیت اجتماعی لازم برخوردار است، اما توان و قدرت کافی برای نگهداری و اجتماعی کردن فرزندان را ندارند. (دائرة المعارف علوم اجتماعی، ساروخانی: ص ۱۳۶-۱۳۷)

۱-۲-۱- انواع خانواده بر حسب دوام

۱-۲-۱-۱- خانواده بادوام: اعضای این خانواده از تعادل لازم برخوردارند. مشکل زدا هستند و در رفع آسیبهای روانی و اجتماعی سایرین گام بر میدارند. (دانش خانواده، محمودیان: ص ۸۲)

۱-۲-۱-۲- خانواده ناقص: «خانواده‌ای است که به علل گوناگون، یکی از اعضای خود، پدر یا مادر را از دست می‌دهد و تنها از طریق یکی از والدین و به همراه فرزندان مجرد خانواده ادامه حیات می‌یابد. در چنین شرایطی کارکردها و نقش خانواده به درستی ایفا نمی‌گردد.» (درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، فرید: ص ۱۷۸)

۲- فرهنگ: تعاریف بسیاری از فرهنگ ارائه داده‌اند. در تعریفی دقیق «فرهنگ نقطه مقابل چیزهایی است که طبیعت به ما می‌دهد و تمام چیزهایی را در برمیگیرد که انسان آفریده باشد. (گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، مهیمنی: ص ۹-۴۶) نکته مهم این است که تعاریف فرهنگ حول محور جامعه است: «به دستاوردهای اجتماعی جامعه یعنی فرایافته‌ها و ساخته‌های بشری که شامل کالاها و ساختمانها و رسمها و هنرها و دانشهای آن می‌گردد، در علوم اجتماعی «فرهنگ» می‌گویند.» (جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، ستوده: ص ۲۱)

۱-۲-۱- اقسام فرهنگ

فرهنگ به دو گونه مادی و معنوی قابل تقسیم است که خالق هر دو گونه نیز خود انسان است.

۱-۲-۱- **فرهنگ معنوی یا غیرمادی:** شامل مجموعه میراث‌های اجتماعی، آداب و رسوم، سنن، عقاید و افکار و رسوم اخلاقی است.

۱-۲-۲- **فرهنگ مادی:** مواردی چون نوع پوشش، مسکن و ابزار و وسایل خلق شده توسط مردم آن جامعه را در برمیگیرد. (اصول و مبانی جامعه‌شناسی، فرجاد: ص ۴۷)

۳- مذهب

یکی از نهادهای حیاتی در هر جامعه نهاد دینی و مذهبی است. دین به عنوان عاملی مقدس «یکی از نقاط اصلی شروع است که جامعه روی آن ساخته شده و با گردهم آوردن افراد هم عقیده، موجب تقویت باورها و ارزش‌های اصلی میشود.» (نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، دیلینی: ص ۳۶۶) در مفهومی انتزاعی تر تفسیری از آفرینش هستی است که هدف آن «به لحاظ انسانی، رشد و تعالی رساندن انسانها به سرحد کمال و قرار دادن او در جایگاه واقعی خود تا حدّ قرب به خداوند است.» (جامعه‌شناسی دینی، توسلی: ص ۲۹۰) نهاد دینی کارکردهای متفاوتی در جوامع دارد که اهم آنها عبارتند از: «کمک به اشخاص در پیدا کردن هویت اخلاقی، فراهم کردن تفسیرهایی که به تبیین محیط طبیعی و اجتماعی انسان کمک میکند، تقویت روحیه اجتماعی، تقویت و تحکیم مبانی ارزشی زندگی انسانی و وحدت نوع بشر.» (مبانی جامعه‌شناسی، کوئن: ص ۱۵۳)

۴- سیاست

سیاست حساس ترین حوزه فعالیت انسان در جامعه است. «مبارزه برای قدرت است. مهمترین تعریف سیاست در میان متفکرین غرب این است که آن را مبارزه برای قدرت و نفوذ و اعمال آن را در جامعه میدانند» (بنیادهای علم سیاست، عالم: ص ۳۰۰) بنابراین مهمترین عنصر تعیین و اجرای سیاست قدرت است. حال باید دید سیاست چه تأثیری بر جامعه میگذارد. در آمیختگی و وابستگی روزافزون جامعه و سیاست موجب شده است که تحلیل تحولات سیاسی اهمیت ویژه‌ای بیابد. در واقع تحولات سیاسی اجتماعی به مثابه متغیر وابسته معلول تغافل جامعه و حکومت در یک کشور است. همچنین با در نظر گرفتن محیط پیرامونشان تجزیه و تحلیل میگردد.

تحلیل خانواده در آثار شهرنوش پارسى پور

۱- بررسی خانواده در رمان «طوبا و معنای شب»

۱-۱- خانواده ادیب

داستان طوبا و معنای شب با زندگی خانواده ادیب شروع میشود. این خانواده در آغاز از نوع هسته‌ای بود که از پدر و مادر و سه فرزند تشکیل شده بود اما با مرگ ادیب، تبدیل به خانواده ناقص میگردد. مرگ ادیب ضربه شدیدی به اعضای خانواده میزند. حاج ادیب مردی

عارف مسلک و در عین حال سنتی با باورهای خرافی درباره زمین و آسمان است. او نماینده تمام عیار تفکر سنتی به مسأله زن و مرد است. از تجدد که آزادی بلامنازع زنان را به همراه دارد میترسد و وقتی میفهمد معشوق جوانیش زمین بر خلاف تصورات او میچرخد، آشفته میشود و به این نتیجه میرسد که «بله زمین گرد است، زنان می‌اندیشند و به زودی بیحیا خواهند شد.» (طوبا و معنای شب، پاریس پور: ص ۱۳) ادیب اگرچه سنتی بود اما طوبا را به خواندن حافظ و بوستان تشویق میکند و به او آموزشهایی میدهد اما با مرگش گویی کارهایش در این دنیا ناتمام میماند.

۲-۱- خانواده طوبا و حاج محمود

طوبا که در میان ناز و نعمت ناگاه مرگ پدر را میبیند. او در چهارده سالگی به خواست خودش به ازدواج «حاج محمود درآمده بود تا چهارسال یخ زده و منجمد را تجربه کند.» (همان: ص ۱۹-۲۰). این خانواده از نوع ناقص است زیرا سرانجامش طلاق است. یکی از عوامل جدایی این زوج، اختلاف سنی زیاد آنهاست. محمود ۵۲ ساله و طوبا ۱۴ ساله است. حاج محمود اقتدار را از آن مردان میدانند و به زن به دیده حقارت مینگرد. حضور او در زندگی طوبا از زمانی است که ادیب میمیرد و محمود به خانواده ادیب کمک مالی میکند. وقتی رفت و آمد او زیاد میشود تصمیم میگیرد با زن آن مرحوم ازدواج کند. طوبا که میدانند مادرش به فرد دیگری علاقه دارد و از سویی جرئت بیانش را ندارد، با فداکاری و علیرغم میل حاج محمود با او ازدواج میکند. علت اصلی طوبا تو سبب محمود این بود که در یکی از روزها از خانه بیرون میرود و در خیابان مرگ کودکی را میبیند که از گرسنگی جان باخته است. بدنبال جنازه پسر به گورستان میرود و در آنجا آقای خیابانی او را از چنگ دو مرد مست نجات میدهد. دیدار آقای خیابانی تأثیر شگرفی بر او میگذارد تا جایی که صبح فردا بدون اجازه حاج محمود از خانه بیرون میرود. این حرکت او خشم محمود را برمی‌انگیزد و او را سه طلاقه میکند.

۱-۳- خانواده طوبا و فریدون میرزا

پس از جدایی از حاج محمود و اتمام عده، طوبا با فریدون میرزا و بازهم بدون میل قلبی ازدواج میکند. فریدون میرزا فردی عیاش و زن باره است. این خانواده نیز از نوع ناقص است زیرا با طلاق به پایان میرسد. زندگی آنها ابتدا اشرافی بود. اما با شکست محمدعلیشاه او نیز فرار میکند و زن و بچه را به حال خودشان وامیگذارد. طوبا از فریدون صاحب چهار فرزند میشود و بعد از فرار او، با تمام توان از فرزندانش مراقبت میکند و آنها را با موفقیت به خانه بخت میفرستد. پس از مدتی طوبا خبر ازدواج شاهزاده را با دختری چهارده ساله میفهمد و در بهت فرومیرود. خواهر میرزا علویه خانم دچار حواس پرتی است. دخترش ستاره چهارده ساله و پسرش اسماعیل هشت نه ساله است. طوبا در این خانه مرگ ستاره

را به دست دایی اش میبیند. دخترک که مورد تجاوز قزاقهای روسی قرار میگیرد به دست دایی متعصبش کشته میشود. طوبا به همراه میرزا ابودر ستاره را در باغچه خانه زیر درخت انار دفن میکنند. او پس از خیانت فریدون، انسانی متوهم و به شدت بدبین میشود و از نظر روحی به جایی میرسد که تنها راه چاره را در جدایی میبیند. (همان: ص ۱۹۲)

۴-۱- خانواده مونس و آقای خوانساری

مونس دختر طوبا بود. منظرالسلطنه دختر بزرگش با شاهزاده حسام‌الدین میرزا و اقدس الملوک با پسر توران السلطنه عروسی کردند. حالا نوبت مونس بود که پس از شنیدن نظر منفی اسماعیل نسبت به ازدواج، موافقت خود را برای ازدواج با آقای خوانساری که پنجاه ساله بود اعلام کند. این خانواده نیز از نوع ناقص است زیرا بعد از دو سال به جدایی ختم میشود. علت جدایی اختلاف سنی زیاد آنها و نیز بی‌علاقگی نسبت به یکدیگر بود. مهمتر از همه علاقه مونس به اسماعیل بود. او به امید وصال اسماعیل، آقای خوانساری را برای همیشه کنار گذاشته بود. «این مرد حسود نبود. واقع بین بود و از ابتدا میدانست که ازدواج بدی کرده است.» (همان: ص ۲۸۱)

۵-۱- خانواده مونس و اسماعیل

مونس و اسماعیل پنهانی با هم ازدواج میکنند. این خانواده از نوع ناقص است. زیرا شروع زندگی عادی نیست. هنگامیکه مونس قصد علنی کردن ازدواجش را دارد، اسماعیل به زندان میفتد. در همین زمان مونس باردار است و از ترس ر سوابی اقدام به سقط جنین میکند و برای همیشه از مادر شدن محروم میشود. پس از این حادثه، مونس تبدیل به انسان دیگری میشود و دیگر عاشق اسماعیل نیست. پس از آزادی از زندان اسماعیل و مونس با طوبا زندگی میکنند و در این زمان خانواده از نوع گسترده است. اما چون اعضای خانواده احساسی بهم ندارند، ناقص محسوب میشود. آنها اگرچه مریم دختر محمود بنا را به فرزندی میگیرند ولی بازهم تغییری در زندگیشان ایجاد نمیشود.

۶-۱- خانواده الماس خاتون و یاقوت

این زوج هدایای توران السلطنه به طوبا و میرزا بودند. از این جهت که با طوبا زندگی میکردند، خانواده گسترده بودند. اما به چند دلیل خانواده ناقص نیز بودند. زن خانه چندان بادرایت و عاقل نیست و مدام مورد تمسخر همسرش است. آنها در برابر فرزندانیشان به هیچیک از وظایف خود عمل نمیکردند. یاقوت حس پدری به فرزندانیش نداشت و آنها را به علت بی‌پولی سرخیابان رهایشان کرده بود... (همان: ص ۱۱۱).

۷-۱- خانواده محمود بنا

او همسرش را بر اثر بیماری سل از دست داد. دو دختر و یک پسر داشت اما عرق خور بود و چندان به وظایف پدری اش عمل نمیکرد. این خانواده ناقص است. پس از مرگ او سرپرستی فرزندانش را طوبا و مونس بر عهده میگیرند و با اینکه در تربیت آنها نهایت تلاش را میکنند، اما بچه‌ها به دلیل گذشته بد خود دچار سرنوشت بدی میشوند.

۲- بررسی خانواده در رمان «سگ و زمستان بلند»

۲-۱- خانواده محمدی

این خانواده از نظر ابعاد هسته‌ای و از پدر و مادر و فرزندان تشکیل شده است. اما به دلیل عدم موفقیت در اجرای نقشهای اساسی، خانواده ناقص محسوب میشود. بیماری روحی حسین پسر خانواده و بی بند و باری حوری دختر خانواده سبب میشود تا کارکردهای خانواده به درستی صورت نگیرد. خانمجان مادر خانواده زنی است مطیع و مطابق میل جامعه مردسالار. مظهر عطوفت و مهر مادری است و زمانیکه حسین زندان بود مدام اخبار روزنامه و رادیو را دنبال میکرد نه که دلبسته سیاست باشد بلکه برای اطلاع از وضعیت حسین این کار را میکرد. اما رفته رفته نسبت به پسرش بسیار بیمهر میشود. پدر خانواده نمادی از مرد دیکتاتور است. او قلبی مهربان دارد و برای حسین دست به هرکاری میزند اما نه همیشه. حسین پسری وطن پرست بود و به خاطر عقاید سیاسی به زندان افتاد. بعد از زندان به پوچی رسید و به کلی ایمانش را از دست داد. او تقاضای پدر مبنی بر کار در اداره ثبت را رد میکند و این آغاز اختلاف آنهاست. حسین پس از مدتی تسلیم مرگ میشود. حوری که از دریچه دید حسین دنیا را میبیند با روح سرکش خود در برابر جامعه مردسالار طغیان میکند اما طغیانش منجر به نابودی خودش میشود. او که پدر و مادر را در مرگ حسین مقصر میداند از آن پس با خاطرات کابوس وار او زندگی میکند. از راه نامشروع باردار میشود و تلاش میکند تا بچه را حفظ کند اما پس از درگیری با پدر جنین سقط میشود و جوانیش را به باد میدهد.

۲-۲- خانواده افخمی

خانواده ایست که به زن و تمامی خواسته‌هایش به دیده حقارت مینگرد و وظیفه زن را تنها خدمت به مرد میداند. آوردن پسر نوعی ارزش محسوب میشود که خانم افخمی از داشتنش محروم است. به همین دلیل به خانم بدرالسادات حسادت میکند. این خانواده از نوع هسته ایست اما چون مادر با رفتار نادرست از دخترش انسان گوشه گیر و متزلزل ساخته، از نوع ناقص است. فهیمه که خیلی زیبارو نیست خانواده اش او را سدی بر سر راه ازدواج خواهرانش میدانند، نماد خواهشهای زنانه است که جامعه مردسالار آن را اجابت نمیکند. دیوانه وار عاشق حسین است اما حسین دلباخته مهری است که در عشقش ناکام

مانده است. فهیمه در بیماری حسین او را پرستاری میکند به این امید که خوب شود و باهم ازدواج کنند اما با مرگ حسین ناکام میماند.

۳-۲- خانواده سرهنگ قزوینی

خانواده ای ناقص و درون تهی است. مادر و فرزندان از حمایت پدر محروم هستند. رفتار وقیح او خیانت به همسر در حضور خود اوست. عدم وفاداری به خانواده و ازدواج مجدد و بی توجهی به فرزندان بلکه کتک زدن آنها، خانواده اش را در معرض آسیب جدی قرار داده بود. او مردی بددهن بود که هیچ تعهدی نسبت به خانواده نداشت. حتی از دادن جهیزیه به مهری خودداری کرده بود و در مراسم عروسی اش هم شرکت نکرده بود. خانم سرهنگ از جمله زنانی است که در فضایی مسموم از خیانت و ناامنی زیسته است.

۴-۲- خانواده شازده

این خانواده ناقص است. مرد خانواده دچار انحطاط اخلاقی است. او الگوی نامناسبی برای پسرانش است و آنها نیز به تبع از پدر هرزه‌گری میکنند. مادر خانواده سرشار از استرس و نگرانی است. او نماد زنی است که در برابر مردان نهایت استیصال را دارد و از ترس هوودار شدن دخترانی از روستا می‌آورد تا امیال و هوس مرد را فروبنداند.

۵-۲- خانواده عموی بزرگ

خانواده ای ناقص است زیرا مرد به همسرش خیانت میکند و زنی روسپی را جایگزین او مینماید. زن عمو به دلیل خیانت شوهرش از غصه دق میکند.

۶-۲- خانواده ماهرخ دلاک

خانواده ناقص است. مادر خانواده که نان آور بوده مفلوج و درمانده است و پدر خانواده کاری جز عرق خوردن و تریاک کشیدن نداشته و هیچ گونه تعهدی در برابر زن و فرزندان ندارد. زن در اوج درماندگی غصه فرزندان را میخورد که بعد از او بی سرپرست و آواره میگردند.

۷-۲- خانواده بدری

این خانواده از زن و شوهر تشکیل شده که مستقل و در مکانی جدا از پدر و مادر زندگی میکنند. بنابراین خانواده هسته ای است. بدری زندگی ساده ای دارد و چون تماماً تسلیم خواسته های شوهرش است و بدون هیچ اعتراضی زندگی میکند طبیعی است که زندگی آرامی دارد تا حدی که حوری از او متنفر است و رفتار او را رونوشتی از رفتار خانمجان میداند.

۸-۲- خانواده مرد مسافر

این خانواده ناقص است و علت آن زندانی شدن پسر بزرگ خانواده است. مادر در غم فرزند بیمار و در نتیجه مشکلات پدر خانواده چندبرابر می‌شود. او باید هم پدر با شد و هم مادر و در نتیجه اثر سوء بر فرزندان دارد زیرا اصلیتین عضو خانواده بیمار است.

۳- بررسی خانواده در داستان «زنان بدون مردان»

۱-۳- خانواده فائزه

در این داستان بنیان همه خانواده‌ها سست و متزلزل است. فائزه تنها با مادر بزرگ زندگی میکند. زندگی آنها از نوع ناقص است زیرا سایه پدر و مادر بر سرش نیست. او سراسر آلوده به رذایل اخلاقی است. با امیرخان رابطه دارد. بعد از ازدواج امیرخان با دختری کم سن و سال، فائزه به او نزدیک می‌شود و مسبب خیانت امیرخان به همسرش می‌گردد.

۲-۳- خانواده مونس

مونس در خانواده سنتی بزرگ شده اما خواهان آزادی و ارزشمندی زن در جامعه است. اما جامعه این رفتارها را بر نمی‌تابد. مونس در سه بخش روایت می‌شود. «ساعت چهار بعدازظهر روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ مونس روی بام خانه ایستاده بود و به خیابان نگاه میکرد» (زنان بدون مردان: ص ۶۱) مونس از پشت بام به شلوغیها نگاه میکند. تمام این سالها حسرت بالا رفتن از درخت را داشته و نرفته است تا بکارتش حفظ شود. او ناگهان خود را از بالای پشت بام به زمین پرتاب میکند و میمیرد. در بخش دوم که زنده شده پس از یک ماه خیابانگردی به خانه برمیگردد و امیرخان که به شدت از او عصبانی است او را میکشد و در باغچه دفن میکند. بار دیگر شب عروسی برادرش امیرخان است که زنده میشود و او را از باکره نبودن زنش آگاه میکنند. پس از آن در راه فرار مورد تعرض قرار میگیرد. فرخ لقا آنها را پناه میدهد. او هیچگاه پایبند خانواده نیست و تا پایان تنها میماند.

۳-۳- خانواده امیرخان

او ابتدا با فائزه دوست میشود. اما برای ازدواج او را قبول ندارد و سراغ دختری می‌برد که پاکدامن و نجیب و کم سن و سال باشد. غافل از اینکه آن دختر ارتباط نامشروع داشته است. امیرخان به همسرش خیانت میکند و طرح رابطه مجدد با فائزه را میریزد و با او ازدواج میکند. این خانواده ناقص است. زیرا همه ارکانش آلوده به فساد اخلاقی هستند.

۴-۳- خانواده زرین کلاه و باغبان مهربان

زرین کلاه در کودکی پدر و مادرش را از دست داده است. تا بیست و شش سالگی روسپی‌گری میکند. او پس از مدتی مردان را بی سر میبیند و به بیداری و آگاهی میرسد و

توبه مینماید. آنگاه به باغ فرخ لقا می‌رود و در آنجا با باغبان مهربان ازدواج میکند. خانواده آنها بادوام است زیرا بین آنها همبستگی عمیق عاطفی وجود دارد.

۵-۳- خانواده فرخ لقا

او با گلچهره زندگی می‌کرد اما هر دو شان در خیالات خود عاشق کس دیگری بودند. به یکدیگر احساسی نداشتند. این خانواده ناقص و میان تهی است. فرخ لقا که هیچگاه محبتی از همسرش ندیده بود، یک بار که او را با مهربانی صدا زد، می‌ترسد و برای دفاع از خود او را هل می‌دهد و گلچهره می‌میرد. پس از آن وارد اجتماع می‌شود و بعد از مدتی با آقای مریخی ازدواج میکند و در کنار او به آرامش می‌رسد.

۴- بررسی خانواده در داستان تجربه های آزاد

خانواده در این داستان به معنای آن چیزی که مقبول سنت و جامعه ایران است، مطرح نیست و پایه و اساس آن کاملاً سست و میان تهی است.

۱-۴- خانواده راوی

خانواده راوی (دختر) ناقص است. نویسنده به چگونگی روابط بین اعضا با یکدیگر هیچ اشاره‌ای نکرده است اما این دختر از آزادی بسیاری برخوردار است. بی‌شتر وقتش را در بیرون از خانه است و با دوستان مردش ارتباط بسیاری دارد. در حالیکه هیچ اشاره‌ای به برخورد پدر و مادر با او نشده است. دختر موافق ازدواج سنتی نیست و روابط خیابانی را ترجیح می‌دهد.

۲-۴- خانواده صاحبخانه هراند و ب

این خانواده ناقص است و علت آن خیانت زن صاحبخانه به شوهرش و رابطه با مستأجر است. وقتی مرد از این رابطه کثیف آگاه می‌شود، هراند و ب را از خانه بیرون می‌کند. حتی زنش نیز با آنها می‌رود و مدتی با هراند زندگی می‌کند. اما پس از مدتی به اصرار هراند به خانه برمی‌گردد و شوهرش او را می‌پذیرد. پس از آن صاحب پنج شش فرزند می‌شود.

بررسی فرهنگ در آثار شهرنوش پارسى پور

۱- فرهنگ مادی

پارسى پور در آثار خود به انعکاس مسائل فرهنگ مادی موجود در جامعه پرداخته است. مصادیق فرهنگ مادی، نشانگر تحول تدریجی فرهنگ از کهنگی به سوی نو شدن است.

۱-۱- اشیا: «در قهوه خانه یک گرامافون قدیمی می‌گذشت» (تجربه های آزاد: ص ۴۶)
«نمی‌توانست بگوید هزار بار در ذهن، او را با خنجر، کارد، شمشیر، قمه، چاقو، ساطور، پتک

و حتی مشت کوبیده است.» (همان: ص ۱۸۴) همچنین خاک انداز، جارو (ص ۵۰) تراکتور، خیش، گاواهن (ص ۶۷) و...

۲-۱- **وسایل نقلیه:** آغاز رمان «طوبا و معنای شب» مربوط به اواخر دوره قاجار است. ابتدا از وسایلی چون گاری، کالسکه و درشکه استفاده میکردند. هرچه جامعه روبه جلو میرفت، خودرو، کامیون و اتوبوس جایگزین دیگر و سایل می شدند. «مرد گفت بچه یکی دو ساعت پیش مرده بود. منتظر گاری متوفیات بودند» (طوبا و معنای شب: ص ۵۵) «شهر اما عوض شده بود. تک و توک اتومبیل در رفت و آمد بود.» (همان: ۱۲۹) «اتکاء طوبا به ماشین سیمی بود که در مقایسه با الاغ و اسب و استر به نظر طوبا یک پدیده خارق العاده می آمد و هرگاه این نوع وسیله را میدید به عظمت خداوند درود میفرستاد.» (همان: ۱۶۱).

۳-۱- **خانه:** خانه ها در زمان قاجار کاهگلی بودند با اتاقهای زیاد و یک حوض وسط حیاط: «باغ با دیواره های کاهگلی، سبز سبز، پشت به ده داده، در کنار رودخانه بود. این سو دیوار نداشت و رودخانه حریم بود. باغ آلبالو و گیلان بود. خانه نیمه روستایی نیمه شهری داشت با سه اتاق و یک حوض در جلوی آن...» (همان: ص ۳) نیز: در (ص ۱۸۵ / ۱۹۷ / ۳۶ / ۳۷) در دربار قاجار طوبا با خانه های مجلل روبرو میشود: «این باشکوهترین تالاری بود که طوبا به عمرش دیده بود. در یک سوی اتاق مخده گذاشته بودند و در سوی دیگر مبلهای فرنگی» (همان: ص ۹۷)

۴-۱- **خوراک:** پاریسی پور در آثارش به غذاهای بومی مردم ایران مثل آش (سگ و زمستان بلند: ص ۲۲۵) و آبگوشت (طوبا و معنای شب، ص ۳۳)، کوفته و کشک بادمجان (همان: ص ۳۷۳)، جوجه کباب (همان: ص ۳۷۳)، خورش بادمجان، ته چین بره، اسلالمبولی، لوبیاپلو (زنان بدون مردان، ص ۱۱-۱۲) اشاره میکند. تنها جایی که از غذاهای غیر بومی و فرنگی سخن گفته در داستان «زنان بدون مردان» است.

۵-۱- **پوشاک:** پاریسی پور با توجه به سطح فرهنگ مردمان داستانها به نوع پوشش آنها اشاره کرده است: «چشمم به خانمجان افتاد که در لباس زری دوزیش کنار خانم بدرالسادات نشسته بود که کت و دامن مشکی تنش بود و روی یقه کتش را منجوق دوزی کرده بود.» (سگ و زمستان بلند: ص ۹۶)

لباسها در زمان قاجار حریر همراه با یقه های منجوق دوزی شده و دامنهای زری دوزی بوده است. (سگ و زمستان بلند: ص ۹۶) و (طوبا و معنای شب: ص ۸۰). زنان در این دوره با روبند و چادر در خیابانها بودند. اما در دربارهای قاجار کم کم لباسهای فرنگی باب شده بود. (همان: ص ۱۳۰) بعد از تغییر حکومت از قاجار به پهلوی شیوه پوشش نیز تغییر میکند: «امینه خانم میدانست که باید کلاه بخرند. رفتند لاله زار...» (همان: ص ۲۳۷) «زنان

حالت عجیبی داشتند. اغلب کلاه شوهرانشان را روی روسری به سر گذاشته بودند. بسیاری پالتوهای مردانه به تن داشتند...» (همان: ص ۲۴۷)

بنابراین تمامی مصادیق فرهنگ مادی رفته رفته به روز می‌شدند و با تغییر حکومت خود را هماهنگ و همراه می‌کردند.

نکته مهم این است که شخصیت‌های آثار پارسی پور به ویژه زن‌ها در طی مسیر داستان به آگاهی می‌رسند و نسبت به وضعیت فعلی و محدودیت‌هایی که دارند، در درون خود دچار چالش می‌شوند. بدون تردید ابزار انتقال فرهنگ در این آگاهی نقش مهمی دارد. مثلاً در رمان «طوبا و معنای شب» روزنامه نقش مهمی در روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن معلومات دارد. مردم اخبار سیاسی مشروطه را از طریق روزنامه دنبال می‌کردند. (ص ۶۶/۶۷/۶۸/۲۳۳/۳۱۶/۳۲۷). نیز (سگ و زمستان بلند، ص ۱۵۷). ابزار دیگری که با ر شد فرهنگی، رواج پیدا کرد رادیو بود. (سگ و زمستان بلند: ص ۱۵۷) (زنان بدون مردان: ص ۹). اتفاق مهم دیگر در این زمینه سینما بود که در آگاهی مردم بسیار نقش داشت: مثلاً اسماعیل مریم را هر هفته به سینما می‌برد و بعد با هم فیلم را تحلیل می‌کردند. (طوبا و معنای شب: ص ۲۴۲) نیز: (زنان بدون مردان: ص ۲۷/۲۹) (سگ و زمستان بلند: ص ۱۷۰)

ابزار مهم دیگر کتاب است. در تمام آثار، کسانیکه اهل مطالعه اند و به کتاب اهمیت می‌دهند، در برابر سنت‌های معمول جامعه آن روز شورش می‌کنند. مثلاً طوبا شخص اول داستان، بر خلاف فرهنگ جامعه سواد دارد و مطالعه می‌کند. (ص ۴۷) طوبا کتاب‌های پدر را به منزل برد تا بر اطلاعات خود بیفزاید. (ص ۵۵) اسماعیل فرهنگ بالایی داشت. «بینوایان را اسماعیل برای مونس تعریف کرد. و بعد کتابش را به او هدیه داد.» (ص ۲۵۴) او مریم را به خواندن کتاب تشویق می‌کرد و خودش نیز برای او کتاب می‌خواند. (ص ۳۴۲) حسین شخص اول داستان سگ و زمستان بلند، سیاسی است و این را از مطالعه کتاب گرفته است. او به محض آزادی سراغ کتاب‌هایش را می‌گیرد که پدر از ترس سیاسی بودن آنها را در زغال‌دانی ریخته بود. (ص ۳۵) خانواده حوری برای شاهنامه خوانی به خانه عموی بزرگ می‌رفتند. (همان: ص ۸۱/۳۴۱). در «زنان بدون مردان» فرخ لقا اهل علم و دانش است. «به کتاب‌فروشی رفت و سفارش پنجاه جلد کتاب شعر داد.» (ص ۴۶) در تجربه‌های آزاد ب اهل مطالعه است. (ص ۳۶)

۲- فرهنگ غیرمادی (معنوی)

فرهنگ غیر مادی مشتمل بر «آداب و رسوم، سنت‌ها، اخلاقیات، معتقدات، باورها، آموزش و پرورش، به طور کلی سرمایه معنوی یک جامعه، جزء فرهنگ معنوی آن به شمار می‌آید.» (مبانی جامعه‌شناسی، وثوقی و نیک خلق: ص ۱۲۳)

۱-۲- ارزشها

برخی از ارزشهایی که در داستانها به چشم میخورد عبارتند از: از خودگذشتگی طوبا برای مادر در امر ازدواج (طوبا و معنای شب، ص ۲۱-۲۲). همدلی و همدردی طوبا نسبت به فرزندان محمود بنا (همان: ص ۳۲۰) یتیم‌نوازی طوبا. او با اینکه خود پیر و درمانده شده بود اما کریم پسر کوچک محمود بنا را به سرپرستی میگیرد و بسیار او را مینوازد. (همان: ص ۳۲۱) خدمت به والدین ارزش والای دیگری است که در آثار پاریسی پور توصیف میشود. اسماعیل همسر مونس خودش به مراقبت از مادر میپردازد. (همان: ص ۲۱۸) دلرحم و دلسوز بودن مهدخت. (زنان بدون مردان، ص ۴). شخصیت فرخ لقا یاریگر بینوایان است. «مریخی به مجلس رفت و فرخ لقا به کار دستگیری از بینوایان همت گماشت. مریخی مدال گرفت و فرخ لقا رئیس افتخاری پرور شگاه شد.» (همان: ص ۵۶) پند و نصیحت کردن ارزش اخلاقی دیگری در داستانها برای بازداشتن از بدی است. سیاوش خواهرش را به نجابت پند میداد. (سگ و زمستان بلند: ص ۱۹۴)

۲-۲- ضد ارزشها:

نقطه مقابل ارزشها، رفتارهای ضد ارزشی است که در آثار پاریسی پور فراوان دیده میشود.

قضاوت بیجا و تهمت زدن طوبا به مونس که از شوهرش باردار است. بدبینی او نسبت به اسماعیل و رابطه اش با دخترخوانده اش (همان: ص ۳۴۳) سوءظن نسبت به مریم زمانیکه وارد حیاط میشود و باردار است. (همان: ص ۳۷۵) تهمت دزدی به کمال توسط طوبا (همان: ص ۳۸۲) تهمت به فائزه توسط پروین (زنان بدون مردان: ص ۱۲) نیز: بیمعرفتی و قدرشناسی (طوبا و معنای شب: ص ۳۶۵/۳۲۶/۳۴۸)، بی حرمتی (همان: ص ۴۰۰، سگ و زمستان بلند: ص ۲۹۹/۲۲۱/۲۰۲/۹۷)

مهمترین انحطاط اخلاقی که آثار پاریسی پور بر مدار آن میچرخد، خیانت است. در همه داستانها با این امر مواجه هستیم. شاهزاده فریدون میرزا به طوبا خیانت میکند (طوبا و معنای شب: ص ۸۴) نیز: (سگ و زمستان بلند: ص ۹۹)، (زنان بدون مردان: ص ۲۲). انتقام (طوبا و معنای شب: ص ۱۷۵). ارتباط با جنس مخالف (سگ و زمستان بلند: ص ۱۱۷۷/۱۸۰/۲۴۰/۲۵۴) تن فروشی (زنان بدون مردان: ص ۳۲) دوستی های خیابانی (تجربه های آزاد: ص ۲۰) تعرض جنسی (زنان بدون مردان: ص ۳۴) برگزاری مراسم مستهجن (طوبا و معنای شب: ص ۳۸۷/۱۴۴/۱۳۲) مصرف مشروبات الکلی (همان: ص ۳۱۱/۱۳۳) (زنان بدون مردان: ص ۱۲/۱۱) (سگ و زمستان بلند: ص ۸۵/۴۶) استعمال

دخانیات (طوبا و معنای شب: ص ۲۸۱) (سگ و زمستان بلند: ص ۱۷۸/۱۴۴/۷۲/۷۶)
(تجربه های آزاد: ص ۱۱)

۳-۱- فرهنگ عامه

آنچه از فرهنگ عامه در آثار پارسی پور نمایان است، نشانگر تلاش شخصیت‌های داستان برای پیکار با سرنوشت محتوم است. زن با تمام وجود همه راهها را می‌آزماید. روزه سکوت میگیرد، نذر میکند، به باورهای خرافی متوسل میشود تا مگر از بار اندوه خود بکاهد. اما وقتی راهها را بسته میبیند، طغیان میکند. طغیانی که بازهم به خود او آسیب میزند. در همه داستانها زنان برای رهایی از مصیبتی و یا برای رسیدن به آرزویی نذر میکنند. (زنان بدون مردان: ص ۲۱) نیز: (سگ و زمستان بلند: ص ۱۶۰/۱۵/۱۷۲/۸۲)

استفاده از ضرب‌المثل برای تشویق به کار و یا نهی از کاری کاربرد داشته است. «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.» (همان: ۶۵/۶۰) نیز: ص ۲۸۷/۲۵۸/۸۷/۷۷/۶۸. (سگ و زمستان بلند: ص ۱۶/۱۹/۴۹/۵۱/۶۹/۲۴۶)، (زنان بدون مردان: ص ۳۹/۲۵/۱۳/۹) (تجربه های آزاد: ص ۴۶/۶).

اعتقاد به باورهایی نظیر تسخیر روح توسط اجنه: (زنان بدون مردان: ص ۳۲) (سگ و زمستان بلند: ص ۱۷۴-۱۷۵) (طوبا و معنای شب: ص ۳۵۲)، آئینه بینی (سگ و زمستان بلند: ص ۲۸۳)، طلسم و جادو (زنان بدون مردان: ص ۲۱)، سر کتاب باز کردن (همان: ص ۲۱)، چهل قفل کردن (همان: ص ۳۹) نشانگر فضایی پر از خفقان و ترس و ظلم و ستم است که هریک از شخصیتها برای رهایی از آن، متوسل به این باورهای خرافی و قومی میشوند. نکته مهم دیگر در ارتباط با فرهنگ، تقابل جهان سنتی در برخورد با تجدد است. همه شخصیتها در طول داستان با این چالش مواجه هستند.

بررسی مذهب در آثار شهرنوش پارسی پور

نقش مذهب به عنوان عامل مؤثر در زندگی افراد، بیرنگ است. از پایه های مهم مذهب تنها به نماز خواندن و قرائت قرآن اشاره شده است. اما اعتقاد به باورهای مذهبی همچون ذکر گفتن، حرز و دعا بستن و ... در داستانها به وفور دیده میشود. توسل به این باورها و جایگزین کردن آن با اصل مذهب و دینداری راهیست که شخصیتهای داستانها برای اقناع روح متلاطم خود، برمیگزینند. افراد آگاهی از دین ندارند و فقط ظاهرش را آن هم به شکل خرافی حفظ میکردند و بدتر اینکه مذهب و سیله ای برای قضاوت و محکوم کردن دیگران بود. طوبا نمونه چنین شخصیتی بود. در واقع مذهب در آثار پارسی پور، راهگشای هیچکس نبود و حتی آنها را به بن بست میرساند.

۱- نماز: در رمان «طوبا و معنای شب» برخی از شخصیتها به خواست و آموزش طوبا نماز میخواندند؛ اما به محض رسیدن به بلوغ و تشخیص خوب از بد، مذهب را کنار میگذاشتند. «اسماعیل کم کم نماز را کنار گذاشته بود.» (ص ۲۳۵) گاهی نماز را برای رهایی از ترس میخواندند. مونس بعد از سقط جنین برای آرامش خود نماز میخواند: «زن نماز میخواند. آنقدر نماز میخواند تا سر سجاده بیهوش شود.» (ص ۲۶۹-۲۷۱) در رمان «سگ و زمستان بلند» هیچ اشاره‌ای به نماز خواندن جوانها نشده است. پیرها میخواندند آنهم به صورت خشکه مذهب و متعصب. در «زنان بدون مردان» زرین کلاه بعد از بی سر دیدن مردها در درونش تحول ایجاد میشود و نماز میخواند. (ص ۳۳)

۲- قرائت قرآن: ادیب به طوبا قرآن خواندن یاد میداد و به او وعده پاداش میداد. (طوبا و معنای شب: ص ۱۹)

در «سگ و زمستان بلند» فقط دوبار به قرآن و آموزش آن توسط عمقزی اشاره شده است. (ص ۲۱۸/۴۳)

۳- ذکر و دعا در گفتگوها: صرفاً راهی برای رسیدن به آرامش بوده است و نه انجام وظایف مذهبی. نمونه ذکر و دعا در داستانها: صلوات (سگ و زمستان بلند: ص ۵۶) الله اکبر و استغفرالله (همان: ۱۲۲) لاله الا الله (همان: ۲۱۸/۲۱۷) یا زینب (همان: ص ۸۸) و...

۴- حفظ حجاب: حجاب به صورت چادر سر کردن در داستانها آمده است اما نه به علت مذهب، بلکه از رسومات متداول زمان قاجار بوده است. نویسنده خود با حجاب مخالف بوده و در آثارش به آن دید تحقیرآمیز داشته است. از نظر او چادر ارزش نیست و باعث عفت و پاکدامنی زن نمیشود. در کل باید گفت تا استقرار قاجار پوشش زنان رو بند و چادر است اما با تغییر حکومت چادر و روسری از سر زنها برداشته میشود.

بررسی سیاست در آثار شهرنوش پاریسی پور

داستانهای پاریسی پور بازتاب دهندهٔ اوضاع سیاسی سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است. اوضاع اجتماعی دورهٔ قاجار و پس از آن، دورهٔ پهلوی جلوهٔ بارزی در داستانها دارند. در رمان «طوبا و معنای شب» به تحولات تاریخی جامعه از مشروطه تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ پرداخته شده است. در این رمان گذشته از تعارض نسلها، بحران انتقال تمدن، بن بست مبارزه، شکست انقلاب مشروطه و انقلاب ملی که مهمترین مسائل جامعه بودند، مطرح میشود.

اوضاع نامساعد دوران قاجار: حضور نیروهای انگلیسی در کشور باعث میشد تا به مردم هرگونه اهانتی روا دارند بدون هیچ مؤاخذه. مرد انگلیسی که اسبش در برابر ادیب رم کرده بود سلیلی محکمی به صورت ادیب میزند (ص ۵) شرایط اجتماعی و روانی هرگز خوب نبود. طوبا در قبرستان مورد آزار و اذیت قرار مردان مست قرار میگیرد. (همان: ص ۳۰) ناامنی به

حدی شایع بود که افراد مرتکب هرگونه جنایتی میشدند بدون اینکه بازخواست شوند. میرزا ابودر خواهرزاده اش را با بیرحمی میکشید و او را در باغچه دفن میکند بدون اینکه کسی بفهمد. (همان: ص ۲۴۵) جنگ جهانی اول به همه این مشکلات دامن میزد و قحطی و بلا و گرسنگی را بر سر مردم آوار میکرد. «بیرون از خانه قحطی و وبا بیداد میکرد.» (همان: ص ۲۵) حکومت نظامی که برای کنترل اوضاع اعلام شده بود کاملاً در متن داستان مشخص است. (همان: ص ۹۵)

غوغای مشروطیت آرامش را از مردم سلب کرده بود. وقتی پادشاهان قاجار مجلس مشروطه را به توپ بستند اوضاع بسیار وخیم شد. (همان: ص ۱۰۹/۹۳ / ۲۳/۲۲) حوادث دیگری که نویسنده به آنها میپردازد، عبارتند از: اشاره به کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ (ص ۱۷۳) حادثه تبریز (ص ۱۷۷-۱۷۸/۲۹۲) جنگ هرات (ص ۱۳/۱۲) جنگ داخلی روسیه (ص ۱۲۱/۱۲۰/۱۲۴/۱۲۵/۲۸۳) جنگ جهانی اول (ص ۱۱۶/۱۱۷) جنگ الجزایر (ص ۳۵۸) حکومت رضاشاه و آوردن ثبات و آرامش (ص ۲۲۷/۲۲۸) فعالیت حزب کمونیست (ص ۲۲۸/۲۵۹/۲۵۵/۲۷۷) خروج رضاشاه از ایران و حضور متفقین (ص ۲۸۷) حزب توده (ص ۳۶۶/۳۷۳/۳۷۴) جبهه ملی (ص ۳۰۱).

رمان «سگ و زمستان بلند» کاملاً محتوای سیاسی دارد. زمینه تاریخی آن فضای دهه پنجاه و سالهای بعد از وقایع ۲۸ مرداد است. حسین قهرمان داستان ظاهراً سیاسی و عضو حزب توده است و در پی مبارزه با قدرت حاکم به زندان میرود. در زندان با دوستانش نیز دچار مشکل و مسیرش از آنان جدا میشود. (ص ۶۳) در طول داستان بحثهای سیاسی جریان دارد و در بخش اول داستان بسامد لغات زندان و شکنجه بسیار بالا است. (ص ۴۷/۴۹/۵۱/۵۲) میزان سرکوب حزب توده توسط رژیم پهلوی خشن و انواع آن در داستان توصیف شده است. (ص ۱۱۱-۱۱۴/۵۵) برچسب و انگ زدن به عوامل حزب توده (ص ۸۰/۸۱) توهین به خانواده های زندانیان توسط مردم (ص ۵۰/۵۱) بازرسی منازل (ص ۳۵/۸۰) بهم ریختگی روح و روان خانواده حسین پس از زندانی شدن او (ص ۱۳) انزوای اجتماعی حسین پس از زندان (ص ۸۴) حس وطن دوستی حسین (ص ۱۶) نمونه هایی از تجلی سیاست در این داستان است.

در داستان «زنان بدون مردان» نویسنده به سرخوردگی مردم از تحولات اجتماعی، ناامنی جامعه در کشاکش کودتا، انقلاب و جنگ هشت ساله و تأثیر آن بر مناسبات قدرت و ساختار روابط در جامعه پرداخته است. جنگ هشت ساله (ص ۳۰)، کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ (ص ۷/۸/۹/۱۴) سرکوب شدید پهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد (ص ۱۴-۱۶) حکومت نظامی پهلوی بعد از کودتا (همان: ص ۱۵). بدون شک اوضاع سیاسی نابسامان و هرج و مرج موجود در جامعه، افکار، اعمال و گفتار شخصیتها را تحت تأثیر قرار داده است.

نتیجه‌گیری

از آنجا که آثار ادبی خلق شده تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی تولید میشوند و از سوی دیگر همین آثار میتوانند بر جامعه و تحولات اجتماعی تأثیرگذار باشند، رابطه دوسویه بین آنها برقرار است. برآیند پژوهش حاضر در چهار حوزه مورد بررسی، به قرار زیر است:

۱. خانواده: در آثار پاریسی پور خانواده، مهمترین سنگ بنای جامعه، بسیار سست و متزلزل توصیف شده است. خانواده‌ها مردسالار هستند و برای زن ارزشی قائل نیستند. زنان داستان اکثراً مورد خیانت و بی‌مهری واقع میشوند. شخصیت‌های داستانی به علت شرایط بد خانوادگی بسیار ناشادند و بدون هیچ امید و هدفی در فضای داستان پرتلاطم میزنند. هیچیک از نقش‌های زن و شوهری و پدر و مادری و فرزندی به خوبی ایفا نمیشود. وفاداری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر در داستانها بسیار کم است و گویی هیچ تعهدی نسبت به هم ندارند.

۲. فرهنگ: در زمینه فرهنگ با نوعی گذار از سنت به مدرنیته مواجه میشویم. در تصاویر مربوط به دوران قاجار همه چیز سنتی است. اما با تعویض حکومت، فرهنگ هم بروز میشود. پوشاک و خوراک و مسکن نیز از این مقوله مستثنی نیستند. در بخش فرهنگ عامه نویسنده اعتقادات خرافی شخصیتها را که نشان از عقب ماندگی آنهاست، به تصویر میکشد. نکته مهم اینکه جدال سنت و تجدد، زنان را نسبت به وضعیت اسفناک خود آگاه میسازد تا برای رهایی خود تلاش کنند.

۳. مذهب: در آثار داستانی مذهب بسیار کمرنگ است و به صورت یک عنصر بیمعنا جلوه میکند. مذهب فقط در اختیار افراد مسن است که به صورت باورهای خرافی از آن پیروی میکنند. گاهی مذهب دستاویزی برای محکوم کردن و تهمت زدن به دیگران و خوب دیدن خود است. نویسنده به حجاب با دیدی تمسخرآمیز نگریسته و آن را عاملی دست و پاگیر جلوه داده است.

۴. سیاست: آثار پاریسی پور سیاست محور است و نویسنده در آن راوی صرف حوادث نیست بلکه به طور ضمنی از عملکرد احزاب و سیاستمداران سخن میگوید. رمان «طوبا و معنای شب» و «سگ و زمستان بلند» آثاری کاملاً سیاسی هستند که خواننده را با اوضاع نابسامان اواخر دوره قاجار آشنا میسازد. نویسنده همچنین شرایط ایران را در زمان پهلوی و جنبشهای اعتراضی را به خوبی به تصویر کشیده است. واضح است که جامعه‌ای با شرایط فوق، سرشار از نومیدی، یأس و ترس و وحشت است.

بنابراین پاریسی پور سخنگوی مردم و ندای آزادی خواهی زنانی است که سالها مورد تبعیض و خشونت واقع شدند و میخواهند با طغیان علیه قوانین موجود به هویت واقعی و انسانی خویش دست یابند.

فهرست منابع

- اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، بستان، حسین و دیگران، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵. اصول و مبانی جامعه‌شناسی، فرجاد، محمدحسین، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، (۱۳۷۶)
- بنیادهای علم سیاست، عالم، عبدالرحمان، چاپ اول، تهران، نشر نی، (۱۳۷۳)
- تجربه‌های آزاد، پارسی پور، شهرنوش، چاپ اول، تهران، چاپخانه سپهر، (۱۳۵۷).
- جامعه‌شناسی دینی، توسلی، غلامعباس، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن (۱۳۸۰)
- جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، ستوده، هدایت‌الله، با همکاری مظفرالدین شهبازی، چاپ اول، تهران، آوای نور، (۱۳۷۸).
- دائرةالمعارف علوم اجتماعی، ساروخانی، باقر، تهران، انتشارات کیهان، (۱۳۷۰)
- دانش خانواده، محمودیان، حسین، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، (۱۳۸۳)
- درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، فرید، محمدصادق، چاپ دوم، تهران، انتشارات پشتون، (۱۳۸۸).
- زنان بدون مردان، پارسی پور، شهرنوش، چاپ اول، تهران، نقره، (۱۳۶۸)
- سگ و زمستان بلند، پارسی پور، شهرنوش، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، (۱۳۶۹)
- طوبا و معنای شب، پارسی پور، شهرنوش، چاپ ششم، تهران، نشر البرز، (۱۳۹۷).
- گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، مهیمنی، محمد، تهران، نشر ثالث (۱۳۷۹)
- مبانی جامعه‌شناسی، کوئن، بروس، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت (۱۳۹۱).
- مبانی جامعه‌شناسی، وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات بهینه (۱۳۸۶)
- نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، دیلینی، تیم، ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، چاپ اول، تهران، نشر نی، (۱۳۸۷).
- نقد ادبی، کارلونی، فیلو، ترجمه نوشین پزشکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، (۱۳۸۶)
- نقد جامعه‌شناختی لوسین گلدمن، کهنمویی پور، ژاله، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، (۱۳۸۹)
- نقد تکوینی، گلدمن، لوسین، ترجمه محمد غیائی، تهران، انتشارات نگاه، (۱۳۸۲)